

بررسی رویکردهای رهبری از دیدگاه مکتبهای انسانشناسی

(۱)

مکتب برخورداری

و

رهبری سوداگرانه

دکتر حسن عابدی جعفری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

گروه مدیریت

اشاره

در این مقاله، یکی از شایعترین رویکردهای رهبری عصر حاضر، یعنی "رویکرد رهبری سوداگرانه" که برآمده از "مکتب برخورداری" انسانشناسی است، مورد بررسی قرار گرفته است. بعد از ارائه یک مقدمه و دسته‌بندی رویکردها، مفروضات زیربنایی این مکتب انسانشناسی بر شمرده شده، آنگاه این مکتب در پرتو تمدنهای پیشین و نیز تمدن حاضر دیده شده است. سپس به آراء مهمترین متفکران این مکتب اشاره شده، انسان آرمانی و جامعه ایده آل این مکتب ترسیم گردیده است.

در قسمت دیگر مقاله، رویکرد رهبری برآمده از این مکتب، یعنی رهبری سوداگرانه تشریح گردیده، انواع این رهبری و نقطه مقابل آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان، ضمن نقد مکتب انسانشناسی برخورداری و رویکرد رهبری سوداگرانه برآمده از این مکتب، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله ارائه شده است.

پیش درآمد

فرهنگهای مختلف، در عین اتفاق نظری که در پذیرش اصل رهبری دارند، بر سر ارزشهای غالب بر رویکردهای رهبری، اختلاف نظر فاحش دارند. اهل نظر، اگرچه معتقدند که نظریه‌های رهبری و مدیریت بر بنیانهای انسانشناختی استوار است، لکن در ادبیات علوم انسانی از جهت تبیین این زیرساختها تلاش چشمگیری صورت نگرفته است. در همین راستا، بیشترین کوشش پژوهشگران مصروف دسته‌بندی رویکردهای رهبری شده است که اصلی‌ترین آنها به قرار زیرند:

برنز^۱ (۱۹۷۸) رهبری را به دو رویکرد اخلاقی^۲ و سوداگرانه^۳ تقسیم کرده است. اتریونی^۴ (۱۹۷۸) رهبری را به رویکردهای اخلاقی، سوداگرانه و قدرت‌گرایانه^۵ تقسیم کرده و برای هر یک پیامدهای خاصی را قائل شده است.

محققان دیگر هم در این زمینه تلاشهایی کرده‌اند (نگاه کنید به بس^۶، ۱۹۹۰).

در این مقاله، با توجه به ریشه‌های انسانشناختی این رویکردها، و به منظور جبران خلأ موجود، یکی از رویکردهای رهبری که اصطلاحاً رویکرد رهبری سوداگرانه نامیده شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. اصطلاح سوداگری در این متن به معنی معامله زودگذر مبتنی بر منفعت مادی منظور شده است.

الف - ۱ - مقدمه

برخورداری از موهبت‌های طبیعی، از آن جهت که بر طرف‌کننده نیازهای اولیه^۷ انسان و تضمین‌کننده بقای اوست، بخش قابل توجهی از افکار و افعال انسان را، از

1- Burns

2- Moral

3- Transactional

4- Etzioni

5- spower

6- Bass

7- Primary Needs

ابتدای پیدایش او بر پشت کره خاک تا لحظه حاضر به خود معطوف داشته است. بی تردید، آدمی، بخش عظیمی از دستاوردهای مدنیتش را مرهون توجه خویش به طبیعت و تفکر در نحوه تسخیر و بهره‌برداری از آن است. صاحب‌نظران بر این اعتقادند که تاریخ بشر گواه آن است که هرگاه انسان در مناطقی زیسته که با فراوانی و وفور نعمت روبرو بوده، و یا در مناطقی که هیچ امکان طبیعی وجود نداشته، مانند دل‌کویرها و اوج کوهستانها، از خود هیچ مدینیتی به جای نگذاشته است (ویل دورانت^۱، ۱۳۶۷). برخی از مهمترین وقایع تاریخ بشر نیز مانند انقلاب کشاورزی^۲ و انقلاب صنعتی^۳ در قالب همین انگیزه انسان یعنی میل به تسلط بر طبیعت و بهره‌برداری از موهبت‌های آن توجیه گردیده است.

در عین حال، در برخی از مقاطع تاریخ، و در میان گروه‌های خاصی از انسانها، این انگیزه چنان اصلی و عمده گردیده که روح غالب بر افکار و فعالیت‌های آن جمع و آن زمان را تشکیل داده، و بهره‌جویی از طبیعت و موهبت‌های آن با هدف غایی حیات^۴ مساوی و یکسان انگاشته شده است.

این دیدگاه تا جایی پیش رفته که انسان نظریات خود را در این باب مدون نموده و در قالب یک نظریه عرضه داشته است. این همان مقوله‌ای است که در این مقاله از آن به عنوان "مکتب برخورداری"^۵ نام برده شده است.

الف - ۲. زیر ساختهای فلسفی^۶

اگرچه این مکتب به تمدن حاضر اختصاص ندارد، لکن تبیین و تدوین تئوریک آن به کاملترین شکل، در این عصر صورت گرفته، و بالاتراز آن، به عنوان فلسفه ایجاد یک تمدن - تمدن حاضر - بدان تکیه شده است.

1- Will Durant

2- Agricultral Revolution

3- Industrial Revolution

4- Telos = Ultimate Goal

5- Utilitarian School

6- Philosophical Foundations

اساس تفکر این مکتب بر این فرض استوار گردیده که بشر اساساً موجودی است از جنس طبیعت، درست مانند دیگر حیوانات. بنابراین فرض، مهمترین اصول فکری این مکتب را به قرار زیر بر شمرده‌اند:

۱- اصالت منفعت (مادی)^۱

بر اساس این اصل، بشر، که موجودی خردگرا و منفعت‌جوست، نه تنها هیچگاه بر خلاف منافع خود عمل نمی‌کند، بلکه بر عکس ذاتاً در صدد آن است تا منفعت خویش را به حداکثر ممکن^۲ رسانیده و زیان خود را به حداقل ممکن^۳ کاهش دهد.

۲- اصالت فرد^۴

بر اساس این اصل، نفع‌طلبی انسان در قالب فردی او قابل تحقق است؛ بدین معنی که "فرد" انسان است که قابل سرمایه‌گذاری است و "نه جمع" انسانها. در این دیدگاه، جامعه، چیزی جز مجموعه افراد نیست.

۳- اصالت آزادی^۵

بر اساس این اصل، شکوفایی استعدادهای انسان در رسیدن به منفعت کامل، تنها در صورتی امکانپذیر است که او را کاملاً آزاد بگذاریم. این آزادی از سنخ آزادی طبیعی است و شامل آزادیهای سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی و... می‌شود. آزادی او در بُعد اقتصادی که محمل برخورداری او قرار می‌گیرد، خود شامل ابعادی است به قرار زیر:

۱- آزادی مالکیت^۱، شامل مالکیت خصوصی بر زمین، معدن، آب، ابزار تولید و

غیره.

۲- آزادی در نحوه بهره‌برداری از مالکیت و سرمایه‌های خویش در جهت افزایش

هرچه بیشتر آنها.

1- Profit

2- Maximum profit

3- Minimum Loss

4- Individualism

5- Liberalism

6- Private Ownership

۳- آزادی در نحوه مصرف، یعنی فرد آزاد است تا هرگونه که مایل است از امکانات خود استفاده نماید. در این دیدگاه، تلاش برای کشف قوانین برخورداری و اقتصادی، مانند قوانین طبیعت، وظیفه علمای جامعه، و تضمین تحقق آزادیهای طبیعی انسان، و وظیفه دولت و حکومت تلقی می‌گردد (صدر، بی تا).

الف - ۳. مکتب برخورداری در تمدنهای پیشین

بروز این دیدگاه به تمدن حاضر اختصاص ندارد، بلکه ریشه آن را می‌توان در تمدنهای پیشین مانند چین باستان و یونان باستان پی جویی کرد.

۱- چین باستان

در چین باستان، یانگ چوی^۱ این فلسفه را چنین تبلیغ نموده است: "حیات انسان مملو از رنج است. هدف اصلی آن، کسب لذت است. خدایی و آخرتی وجود ندارد. اخلاق فریبی است که زیرکان بر ساده دلان روا می‌دارند. مردم بازبچه‌های بیچاره نیروهای طبیعت کورند. بنابراین، انسان هوشمند سرنوشت خود را بی هیچ شکایت می‌پذیرد. زیرکترین انسانها، نفس پرستان هوشیاری هستند که از همه لذات غریزی برخوردار شده‌اند. درست است که گاهی لذت‌اندوزان نامی بد از خود به جای می‌گذارند، ولی این بدنامی، به استخوانهای آنان هیچ آسیبی نمی‌رساند (ویل دورانت، ۱۳۶۷).

۲- یونان باستان

در یونان باستان، آریس تیب^۲، هدف حیات انسان را جستجوی لذت قلمداد کرده که باید بی آنکه نگران آینده باشد گذران عمر کند. اپیکور^۳ نیز از نوعی لذت یاد می‌کند که آن را لذت در حرکت می‌نامد و از آن انتقاد می‌کند. وی این لذت را شامل ارضاء غریزه جنسی، لذت پر خوری، و لذتهایی از این دست بر می‌شمارد (در راه حق، ۱۳۶۱).

1- Yang choi

2- Uristip

3- Epicurus

الف - ۴. مکتب برخورداری در تمدن حاضر

تجلی آشکار این تفکر را در تمدن عصر حاضر می‌توان مشاهده کرد. دانشمندان متعددی در جهت تبیین و پردازش این نظریه قدم برداشته‌اند؛ از جمله این اندیشمندان، افراد زیر را می‌توان نام برد: جرمی بنتام^۱، آدام اسمیت^۲، هنری سیدویک^۳ و دیوید ریکاردو^۴. برخی از صاحب‌نظران سیر تکوین این دیدگاه را در تمدن حاضر چنین تشریح نموده‌اند:

دنباله‌روان دیوید هیوم^۵ در انگلستان، بر آن شدند تا با مبنا قرار دادن مفروضات وی، نوعی هدف‌مداری را در حیات انسان کشف کرده و عرضه نمایند. یکی از این افراد، جرمی بنتام است که سعی کرد تا تمایلات یا خواسته‌هایی^۱ را که هیوم آنها را متعدد می‌دانست، به دو مورد اساسی کاهش دهد: ۱. تمایل به اجتناب از رنج^۲ و ۲. گرایش به کسب لذت (مادی)^۸

بنتام کوشید تا روشن کند که چه اقدامات و سیاست‌هایی بیشترین لذت و چه سیاستها و اقداماتی، کمترین رنج را به دنبال می‌آورد. از اینرو، وی اصول دانش جدیدی را پی‌ریخت که مکتب برخورداری یا مطلوبیت‌گرایی^۹ نامیده شد. در این دانش جدید، لذت هر فرد می‌توانست به لحاظ تئوریک به حداکثر برسد. همانطور که تئوری برخورداری یا مطلوبیت‌گرایی به تدریج شکل می‌گرفت و توسعه می‌یافت، فرضیه‌های هیوم نیز دستخوش تغییر و تحول گردیده و دقیقتر می‌شد. دیگر متفکران کوشیدند تا سردرگمی موجود در نظریه هیوم را برطرف کرده، مدل منظمتری از جامعه ارائه نمایند. اوج این گرایش زمانی فرا رسید که آدام اسمیت نظریه خود را مبنی بر اینکه جستجوی

1- Jermeý Bentham

2- Adam Smith

3- Henry Sidgewick

4- David Ricardo

5- David Hume

6- Human Desires

7- The Desire To Avoid pain

8- The Desire to Gain pleasure

9- Utilitarianism

ثروت^۱، می‌تواند عمیقترین نیازهای انسان را کاملاً بر آورده سازد، اعلان کرد. این تحدید نیازهای انسان به نیازی واحد، پیامدهای بسیاری را به دنبال داشت. از جمله پیامدهای این اقدام این بود که شخصیت انسان - که در این دیدگاه نشأت گرفته از عاطفه اساسی حرص^۲ به شمار می‌آید - شخصیتی پایدار، قانونمند، متکامل و قابل پیش‌بینی تصویر گردید. مزیت ارائه چنین تصویری از انسان این بود که نظریه پردازان را قادر ساخت تا زندگی انسان را نیز مانند سایر اجزای بازار، تابع همان فرمولهای ریاضی مطلوبیت‌گرایی یا برخورداری تلقی نمایند.

در چنین تصویری از انسان، افراد به مثابه جزایر مستقل یا امپراتوریهای کوچکی تلقی می‌شوند که هر یک دارای نیازها، خواسته‌ها و تمایلات مخصوص به خود هستند. در عین حال، فرض بر این است که هر امپراتوری فردی قادر خواهد بود تا در برابر هر چیز، ولو روابط شخصی، سود و زیان خویش را محاسبه نماید.

در نتیجه، این نظریه به طرز ریشه‌دار در عمق تفکر جامعه غرب رسوخ کرد، چرا که با ساختار اقتصادی حاکم، همخوانی تام داشت و در خدمت اعتبار بخشیدن به آن قرار گرفت. در حال حاضر، نظریه پذیرفته شده، به دلایل گوناگون به عنوان مدل جامعه‌پسند توجیه‌گر رفتار انسان مورد قبول قرار گرفته است (لیندهولم^۳، ۱۹۹۰).

در این دیدگاه، "خیر" مساوی با برخورداری و لذت مادی تعریف می‌شود؛ "شر" مساوی عدم برخورداری و رنج و الم است، و "سعادت" به معنی تلاش فرد برای دستیابی به حداکثر لذت مادی معنی می‌گردد.

انسان کامل در این مکتب، مساوی با انسان برخوردار است (مطهری، ۱۳۶۸) و جامعه ایده‌آل، جامعه مرفهی است که فرد در آن قادر باشد در نهایت آزادی به حداکثر لذت مادی دستیابی پیدا کند.

1- Pursuit of wealth

2- Greed

3- Lindholm, C.

ب - رهبری سوداگرانه^۱

ب - ۱. مقدمه

رویکرد رهبری برآمده از مکتب برخورداری، به جهت روحیه لذت طلبی و منفعت جویی حاکم بر طرفداران آن، رویکرد رهبری سوداگرانه است. در این مکتب که به همه چیز از دید میزان منفعتی که عاید انسان می‌کند نگریسته می‌شود، رهبری آن نیز، با چشمی سوداگرانه به پیروان می‌نگرد، و طالب معامله و بده‌بستان^۲ با آنهاست؛ مثلاً در این گونه از رهبری، میان رهبر و پیرو، تبادل افزایش شغل در برابر افزایش آرا و افزایش سوبسید در مقابل کمکهای مالی انتخابات، معامله‌هایی مرسوم است. چنین معامله‌یی مشمول تمام روابط میان رهبران و پیروان، خاصه در رابطه با گروه‌ها، مجالس قانونگذاری و احزاب می‌گردد (برنز^۳، ۱۹۷۸).

ب - ۲. سابقه تاریخی

نخستین اندیشمندی که این رویکرد رهبری را به صورتی مدون عرضه نمود، مک‌کروگر برنز بود که در سال ۱۹۷۸ تئوری جامعی در تفکیک میان دو نوع رهبری سوداگرانه و تحول آفرین^۴ ارائه کرد. قبل از او، هوک^۵ در سال ۱۹۴۲، میان رهبرانی که خود محصول وقایع^۶ بوده و رهبرانی که واقعه آفرین‌اند،^۷ تفاوت و تمایز قایل شده بود. همچنین داوون تان^۸ در سال ۱۹۷۳ رهبران شورشها^۹ را به معامله‌گر^{۱۰} و تحول آفرین^{۱۱}

1- Transactional Leadership

2- Transaction

3- Mac Greoger Burns

4- Transformational Leadership

5- Hook

6- Eventful Leaders

7- Event Making Leaders

8- Downton

9- Leadership of Rebels

10- Transactional

11- Transformer

تقسیم نمود. به علاوه، پیچ^۱ در سال ۱۹۷۷، رهبران را به محافظه کار^۲، اصلاح طلب^۳ و انقلابی^۴ تقسیم نمود (بَس، ۱۹۹۰). پس از برنز نیز افرادی چند، ایده او را بویژه در رهبری تحول آفرین دنبال کردند که عبارتند از: بس، ۱۹۸۵؛ بنیس^۶ و نی-نوس^۷، ۱۹۸۵ و تیکی^۸ و دوانا^۹، ۱۹۸۶ (بَس، ۱۹۹۰).

ب - ۳. دیدگاه برنز

برنز که رهبری را بر خلاف قدرتمداری صرف، جدای از نیازها و اهداف پیروان نمی دانست، عصاره رابطه میان رهبری و پیروان را تعامل^{۱۰} میان افرادی می داند که دارای سطوح گوناگون از انگیزه بوده و واجد قدرت بالقوه و مهارتهایی هستند که به دنبال یک هدف مشترک^{۱۱} و یا دست کم هدفی مورد توافق^{۱۲} در حرکتند. او این تعامل را در دو شکل اساسی متجلی می بیند:

۱- شکل نخستین را وی رهبری سوداگرانه می نامد، و معتقد است زمانی به وقوع می پیوندد که یک فرد به منظور تبادل چیزهایی ارزشمند با دیگران، اقدام به برقراری ارتباط با آنها می کند. او بر این باور است که این تبادل ممکن است ماهیتی اقتصادی، سیاسی یا روانشناختی داشته باشد؛ یعنی تبادل کالا به کالا، یا کالا با پول؛ تجارت آرا میان نامزد انتخاباتی و شهروندان، یا قانونگذاران؛ و یا احسان به یک فرد و پذیرایی از او به خاطر پذیرش استماعش به گرفتاریهای دیگری بوده باشد. هر یک از طرفین مبادله از منابع قدرت و نگرشهای طرف مقابل آگاه است. هر "فرد" طرف دیگر را به عنوان یک

- | | |
|--------------------|----------------------------|
| 1- Paige | 2- Conservative Leadership |
| 3- Reformist | 4- Revolutionary |
| 5- B.M. Bass | 6- Bennis, W.G. |
| 7- Nanus, B. | 8- Tichy, N. |
| 9- Devannd, M.A. | 10- Interaction |
| 11- Common purpose | 12- Joint Purpose |

"فرد"^۱ می‌شناسد. هدفهای طرفین، دست کم تا جایی که این هدفها در فرایند معامله و مذاکره قرار می‌گیرند، و می‌تواند با حفظ این فرایند، توسعه داده شود، به هم مرتبط هستند. لکن این ارتباط، فراتر از این نمی‌رود، طرفین معامله، اهداف پایداری که بین آنها پیوندی برقرار کنند ندارند، از اینرو به محض پایان یافتن مبادله، هر یک به راه خویش می‌روند. درست است که در واقع یک عمل رهبری صورت گرفته است، اما این اقدام رهبری به گونه‌ای نیست که بتواند رهبر و پیرو را چنان به هم پیوند زند که مشترکاً و به طور مستمر در پی یک هدف والاتر بروند (برنز، ۱۹۷۸).

ب - ۴. انواع رهبری سوداگرانه

برنز همچنین به طبقه‌بندی انواع رهبریهای سوداگرانه در عرصه سیاست می‌پردازد و آنها را به طریق زیر دسته‌بندی نموده، به تفصیل در باره هر یک بحث می‌کند:

- ۱- رهبری افکار عمومی^۲
- ۲- رهبری دیوانسالاری یا اهل مذاکره^۳: رهبری گروهی^۴
- ۳- رهبری احزاب^۵
- ۴- رهبری پارلمانی^۶
- ۵- رهبری اجرایی^۷

توضیح اینکه چند نمونه از این انواع را در صفحات آینده ملاحظه خواهید نمود.

ب - ۴ - ۱. رهبری افکار عمومی

یکی از انواع رهبری سوداگرانه، رهبری افکار عمومی است. این نوع رهبری، در واقع واسطه‌ای میان رسانه‌های جمعی و عامه مردم است. صاحب‌نظران این نوع از رهبری

1- Person

2- Opinion Leadership

3- Bargainers or Bureaucrats

4- Group Leadership

5- Party Leadership

6- Legislative Leadership

7- Executive Leadership

را چنین توصیف کرده‌اند:

رهبری افکار عمومی، ساده‌ترین نوع رهبری است که به آسانی در میان گنده‌های دوستانه کوچک، اعضای خانواده و همسایگان اعمال می‌گردد. این رهبری بعضی اوقات عمدتاً و آگاهانه، و در پاره‌ای از مواقع نیز ناخواسته و ناخودآگاه اعمال می‌گردد. این گونه از رهبری، رهبری در سطوح بالا مانند رهبری چرچیل و آیزنهاور نیست، رهبری سیاسی ایالتی هم نیست، و حتی رهبری اجتماعی نخبگان محلی هم نیست، بلکه در واقع نقطه مقابل اینهاست؛ و آن نوعی رهبری غیرمرئی است که به هیچ وجه جلب نظر نکرده، در سطح تماسهای معمولی روزمره فرد به فرد، به طرز دوستانه و صمیمی و به طریق غیر رسمی اعمال می‌گردد (کنز و لازارسفلد، ۱۹۵۵).

رهبران افکار عمومی معمولاً همه جا یافت می‌شوند، آنها را عملاً در بین تمامی اقشار جامعه می‌توان یافت، ولی ارتباطات آنها از محدوده مرزهای گروه و طبقه فراتر می‌رود. این گونه رهبری می‌تواند یک مسئول داروخانه سرکوجه، یک راننده تاکسی محلی، یک سرکارگر کارگاه، و یا حتی فردی باشد که از هیچ موقعیت ویژه‌ای هم برخوردار نیست، ولی دارای توان تأمین فوق‌العاده اطلاعات و ایده‌ها باشد.

روشن است که تأثیر چنین رهبرانی می‌تواند فوق‌العاده زیاد هم باشد، چرا که اصلاً به نظر نمی‌رسد که آنها در انتقال آرا و اطلاعاتشان دارای هیچ هدفی باشند. این رهبران می‌دانند چگونه با تنظیم آنچه می‌گویند، در راستای منافع و گرایشهای کسی که طرف خطاب آنهاست، نفوذ خود را "شخصی" نمایند. آنها، به علاوه، هم وقت کافی و هم نزدیکی آن را دارند که شنونده‌های خود را طمع تبلیغات یا نفوذ تحریف شده خود نمایند. جالب این است که پژوهشها نشان می‌دهند که نقش اینگونه تبلیغات و نفوذ فردی آنها از تأثیر رسانه‌های گروهی، بالاتر و بیشتر است (برنز، ۱۹۷۸).

ب - ۴ - ۲. رهبری دیوانسالار

این گونه از رهبری سوداگرانه، در محدوده سازمانهای بوروکراتیک سلسله مراتبی مشاهده می‌شود و معمولاً آن را مدیریت می‌نامند. بر خلاف ظاهر اقتدار مدارانه آن، این گونه از رهبری نیز به شدت درگیر تبادل منافع است و جلب رضایت زیردستان در

قالب معامله متقابل منافع در آن رواج کامل دارد. به علاوه اصول اداره سازمانها منطبق بر همان اصول رهبری در مکتب برخورداری است.

نمونه آشکار این گونه رهبری، نظریه معروف به مدیریت علمی^۱ یا مدیریت کلاسیک^۲، و چهره شاخص آن فردریک وینسلو تیلور^۳ است. او در تئوری خویش، انسان را حیوانی اقتصادی و خردگرا می‌داند که ابزار به تحریک واداشتن او همان دستمزدی است که به وی پرداخته می‌شود. این دستمزد با ساعات کاری که فرد می‌کند پیوند می‌خورد و مبنای تئوری انگیزش وی را تشکیل می‌دهد.

ب - ۴ - ۳. رهبری پارلمانی

پایگاه سنتی رهبری سوداگرانه، پارلمان است. پارلمانها معمولاً صحنه مبادله اهداف و نیازهای شخصی اعضا از طریق تکنیکهای کهن مذاکره، معاکسه و جبران است. در سابقه پارلمانی غرب، سنت، اخلاق و روح مؤسسات پارلمانی، همین روح سوداگری و دلال‌مآبی^۴ است. در این میان، هیچ پارلمانی به اندازه سنای امریکا، از این روحیه برخوردار نیست. اصولاً ساختار پارلمانی، تبلور رهبری سوداگرانه است. این گونه از رهبری بر پایه واکنشهای رهبر و رهرو نسبت به خواسته‌ها، نیازها، انتظارات و ارزشهای دریافتی آنان استوار است (برنز، ۱۹۷۸).

ب - ۵. ابزار رهبری سوداگرانه

ابزار رهبری سوداگر در به تمکین واداشتن پیروان، از یک سو دادن وعده برخورداری از موهبتها (تطمیع) و از طرف دیگر، وعید است؛ محروم ساختن از نعمتهایی که در اختیار پیرو است (تحریم).

1- Scientific Management

2- Classical Management

3- Fredreik winslow Taylor

4- Brokerage

ب - ۶. معیار شایستگی رهبری سوداگرانه

از دیدگاه رهبری شناختی، معیار شایستگی رهبری در چنین رویکردی، میزان برخورداری بالفعل، و یا توانایی برخورداری بالقوه فرد از موهبت‌های طبیعی است. از اینرو رهبری در چنین دیدگاهی، تنها برازنده انسانهای برخوردار و یا انسانهایی است که توان برخورداری آینده فوق‌العاده در آنها یافت می‌شود، و یا در نهایت، افرادی که از قبل آنها می‌توان به برخورداری قابل ملاحظه دست یافت. بنابراین، افراد فاقد مکتب بالفعل، یا بالقوه و یا آنها که در سایه رهبریشان نتوان به مکتبی چشمگیر دسترسی پیدا کرد، از این دیدگاه، شایستگی رهبری ندارند.

ب - ۷. نقطه مقابل رهبری سوداگرانه

نقطه مقابل رهبری سوداگرانه، رهبری تحول‌آفرین است. این رهبران نیز نیاز پیروان را به رسمیت می‌شناسند، لکن چنین رهبری از این فراتر می‌رود و نیازهای سطوح عالی پیروان (بر اساس نظر ماسلو^۱) را ارضا می‌نماید تا آنها را در بست در وظیفه و تکلیف خویش درگیر نماید.

رهبر تحول‌آفرین، بر عکس رهبر سوداگر، می‌تواند منجر به تحریک و ارزیابی متقابل گردد به گونه‌ای که پیروان را نیز به رهبران مبدل سازد، و ممکن است حتی رهبران را نیز به عناصری اخلاقی^۲ مبدل نماید. هر قدر نیازهای سطوح بالاتر پیروان اصلتر باشد، تحقق رهبری تحول‌آفرین، عمیقتر خواهد بود.

تفصیل این بحث، به عنوان نسل جدید تئوریهای رهبری در غرب، در جای خود خواهد آمد.

ج - نقد و نظر

اگرچه فرض اصلی مکتب برخورداری، که انسان حیوانی است مانند دیگر حیوانات، و نیز اصولی که این مکتب بر آنها بنیان نهاده شده مانند اصل آزادی، عنایت به فرد، و رعایت منفعت اشخاص، به خودی خود قابل انکار نیستند، و در بسیاری از مکتبهای دیگر نیز مورد تأکید و احترام واقع شده‌اند، لکن، آنطور که این مکتب آنها را مطلق انگاشته و در اعمال آنها راه افراط پیموده، مورد قبول اهل نظر نبوده و سخت مورد انتقاد صاحب‌نظران قرار گرفته است. در ادامه این سطور، نمونه‌هایی از این انتقادات آورده شده است.

۱- مهمترین تکیه‌گاه این مکتب که برخورداری از موهبت‌های طبیعی است، نشان داده که حتی در همین مورد نیز آنها درک و عملکرد صحیحی از بهره‌برداری از طبیعت نداشته‌اند. چراکه روش آنها به تخریب و انهدام منابع طبیعی انجامیده و در نتیجه نهضت‌های گوناگونی را در مقابل این شیوه تفکر استفاده و برخورد با طبیعت تحت عنوان حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست به دنبال آورده است.

۲- فرض اساسی این مکتب که انسان حیوانی است مانند دیگر حیوانات نیز اگرچه از یک بُعد، فرض درستی است، لکن اینطور نیست که انسان یکسره حیوان باشد و دیگر هیچ. بلکه حیوانیت، بُعدی از ابعاد وجودی اوست که هرچه در طول زندگی بر ابعاد انسانی خویش می‌افزاید، به همان میزان بر بُعد حیوانی خویش غلبه می‌کند؛ یعنی بنا نیست انسان، حیوان به دنیا بیاید و تا آخر عمر هم حیوان بماند.

۳- به علاوه انسان اگر بر بُعد حیوانی خود پافشاری کند، در عمل از حیوان هم حیوانتر می‌شود چراکه در همین بُعد هم او گرفتار خصوصیات مانند حرص و آز و طمع است که حیوانات از آن بی‌بهره‌اند.

۴- آزادی انسان اگرچه حرف درستی است و به شکوفایی انسانها می‌انجامد، لکن آزادی بیحد و حصری که این مکتب از آن دفاع می‌کند، عملاً به تضییع حقوق دیگران انجامیده، در نهایت فاجعه می‌آفریند.

۵- اصل کسب منفعت مادی نیز اگرچه در آغاز درست به نظر می‌رسد، لکن در عمل

علاوه بر آنکه به نادیده انگاشتن منفعت دیگران منجر شده، اینطور هم نیست که مطلقاً صحیح باشد، چرا که انسان در پاره‌ای از موارد، برای رسیدن به اهداف بالاتر از منافع شخصی، حاضر است منفعت و حتی جان خویش را ایثار نماید.

۶- جستجوی ثروت، آنطور که مکتب برخورداران انگاشته، ارضاکننده عمیقترین نیازهای انسان نیست. روشن است که انسان نیازهایی دارد که به هیچ وجه در قالب کسب ثروت نمی‌گنجد و با وجود دسترسی به ثروت‌های هنگفت، عطش رسیدن به آن هدفها، هنوز در انسان سیراب نشده باقی می‌ماند.

۷- به علاوه، آزادی و رفاه اجتماعی که این مکتب وعده دسترسی اتوماتیک به آن را در پرتو منافع اشخاص داده است، در طول چند سده اخیر، توفیق پدیدایی نیافته است، که هیچ، بلکه همین بینش باعث شده انسان‌های اندک برخوردار در جامعه به انحصارات غیرقابل تصور در ثروت، تولید، توزیع و مصرف دست یابند، در حالی که بخش قابل توجهی از افراد همان جامعه زیر خط فقر زندگی کرده و غذای روزانه خود را در زباله‌دانیها جستجو کنند.

۸- اصولاً انسانی که مکتب برخورداران ترسیم می‌کند، انسانی است یک بُعدی که حاضر است همه چیز را در پای منافع خویش قربانی کند. اگرچه این انسان، بر طبیعت و محیط اطراف خویش تسلط چشمگیری یافته است، لکن آنچه را که به نظر می‌رسد قربانی کرده، انسانیت خویش است.

۹- به همین جهت، انسانی که این بینش ساخته است، با طبیعت مانوس، اما از خویشتن خویش بیگانه است. بحث از خودبیگانگی انسان که دستاورد مکتب برخورداران است، امروز دستمایه ظهور مکتبهای دیگری در غرب برای علاج این بیماری انسان گردیده است.

۱۰- در حقیقت، این مکتب، انسان، تواناییهای او و علم او را تا حد نیاز او در تسلط بر طبیعت کاهش داده است.

۱۱- بینش برخورداران، در جامعه، موجب اتلاف منابع طبیعی، قطعی شدن جامعه، از خودبیگانگی انسان، و رویگردانی او از خدای خویش شده است.

۱۲- این بینش، علاوه بر بروز فساد اقتصادی، منشأ ایجاد مفاسد دیگری در جامعه می‌شود که برخورداری، ریشه همه آنهاست.

۱۳- رهبری در این مکتب، رویکردی سوداگرانه داشته، اساس را بر فرهنگ بده و بستان قرار می‌دهد.

۱۴- رهبری در این بینش، آرمانگرایی را یکسره به کناری گذاشته، پیروان را به واقع‌گرایی منفعت‌طلبانه دعوت می‌کند.

۱۵- افراد صاحب استعداد که قادرند بار رهبری جامعه را به عهده گیرند، به دلیل عدم برخورداری، در این دیدگاه هرگز به مناصب رهبری جامعه راه پیدا نمی‌کنند. بنابراین کیفیت رهبری تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد.

۱۶- رهبری در این مکتب همان است که امروز فریاد اندیشمندان جوامع غربی را علیه پیامدهای آن بلند کرده و خواستار رهبری کرده است که به جای اندیشیدن به منافع خویش و تلاش برای افزایش ثروت خود در برابری بهره ساختن پیروان از موهبت‌های طبیعی به "رهبری معنوی"^۱ فراخوانند.

۱۷- ارزش یکی از ابعاد رهبری پیامبران الهی (ع) که برای رهبری امت خویش نه تنها چشم طمعی به آنها نداشتند بلکه از همه چیز خود گذشته، و بارها جان خود را به خطر افکنده و بسیاری در این راه جان باختند، در چنین رابطه‌ای روشن می‌شود. آنها که در نخستین خطابه‌های خویش به پیروان اعلان کرده‌اند که

یا قوم لا اسئلكم علیه ما لا، ان اجرى الا على الله (۲۹ / هود)

من از شما به خاطر رسالت خطیری که بر دوش گرفته‌ام هیچ پاداشی نمی‌خواهم که پاداش من تنها بر عهده خداست.

د - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

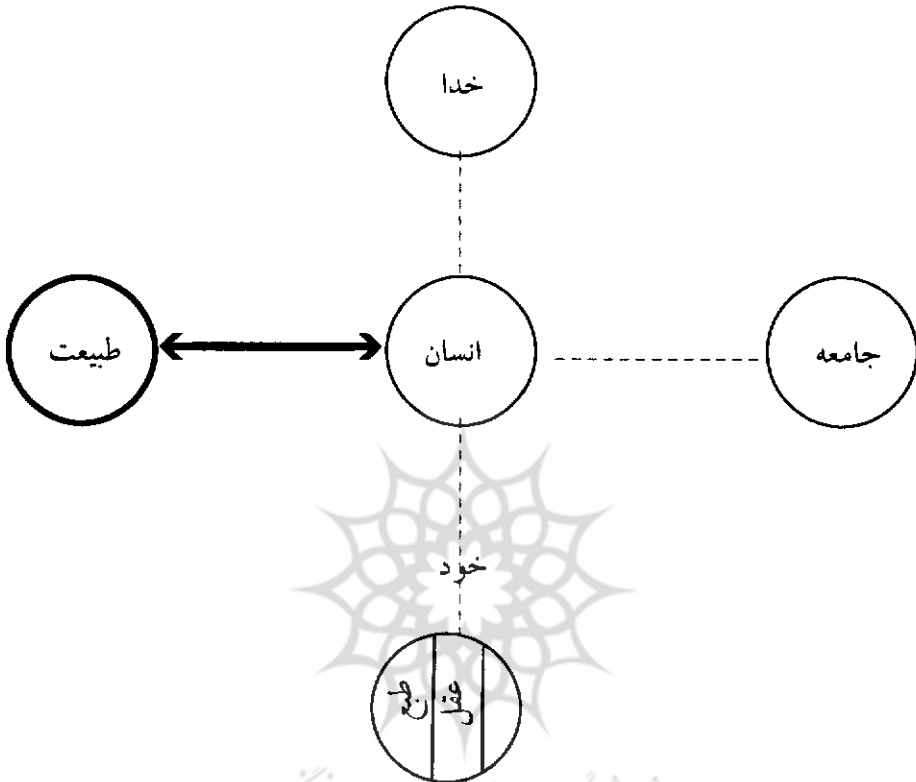
ویژگیهای مکتب برخورداری را در مجموع، می‌توان در نمودار شماره ۲ و در قالب

محورهای آن چنین خلاصه نمود:

برخورداری	→	طبیعت	←	نفی
نفس پروری	→	نفس	←	نفس کشی
فرد	→	شکل زندگی	←	جمع
عقل	→	دانش و کشش	←	عشق
هوی / آلهه	→	پرستش	←	خدا
حسی - تجربی	→	ادراک	←	کشف و شهودی
نسبی و آزاد	→	اخلاق	←	منضبط و مقید

نمودار شماره ۲ - نقل گرایشهای دیدگاه برخورداری

بر اساس نمودار فوق معتقدان به این مکتب، در مقابل نفی طبیعت، برخورداری از آن را انتخاب می‌کنند؛ در مقابل کشتن نفس، پرورش نفس را؛ در مقابل تکیه بر جمع، تکیه بر فرد را می‌پسندند؛ از میان کشمکش میان عشق و عقل، عقل محاسبه‌گر را برتری می‌دهند؛ از میان پرستش خدا و هوی، پرستش هوی را ملاک قرار می‌دهند، و از میان ادراک حسی - تجربی و کشف و شهودی، روش حسی - تجربی را اختیار می‌کنند، و سرانجام میان پذیرش ارزشها و افعال اخلاقی، و نفی آنها، دومی را می‌پذیرند. ویژگیهای این مکتب، در یک چارچوبه کلی‌تر، یعنی در قالب مدل روابط و گرایشهای انسان، به صورت نمودار شماره ۳ (صفحه بعد) نمایش داده می‌شود:



نمودار شماره ۳ - گرایشهای مکتب برخورداری در میزان مدل ارتباطات انسان

بر اساس این مدل:

- ۱- عمده هم طرفداران این مکتب، بر بُعد طبیعت و استفاده از موهبتهای آن استوار است.
- ۲- آنها از خویشتن خویش تنها بُعد طبیعی غریزی آن را می شناسند و عقل را هم در همین راستا به کار می گیرند.
- ۳- این گروه تکیه بر فردیت خود دارند و از جامعه در حد رسیدن به منافع خویش استفاده می کنند.
- ۴- اینان هیچ حاکمیتی برای خداوند و ارزشهای الهی قائل نیستند و با پرستش به

گونه‌ای و تا جایی که به بهره‌برداری از طبیعت و ارضای نیازهای غریزی آنها لطمه نزنند، مخالفتی نمی‌ورزند.

منابع

الف - منابع فارسی

- ۱- صدر، محمد باقر [آیت... شهید]، (بی تا)، بررسی سیستمهای اقتصادی، خلاصه‌ای از اقتصادنا، به کوشش غلامرضا مصباحی، انتشارات ناصر، قم.
- ۲- مطهری، مرتضی [آیت... شهید]، (بهار ۱۳۶۸)، انسان کامل. چاپ دوم، انتشارات صدرا، تهران.
- ۳- مؤسسه مکتباتی اسلام‌شناسی (مهرماه ۱۳۶۱)، انسان کامل از دیدگاه اپیکور - روایون. مؤسسه مکتباتی اسلام‌شناسی، تهران.
- ۴- ویل دورانت (۱۳۶۷)، مشرق زمین، گاهواره تمدن: بخش اول، کتاب تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع‌پاشایی، و امیر حسن آریانپور، چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.

ب - منابع لاتین

Bass, B.M. (1990).

Bass and Stogdill's Handbook of Leadership: Theory,

Research, and Managerial Applications.

Third Edition, The Free Press, N.Y., USA.

Burns, J.M. (1978).

Leadership.

Harper and Row, N.y. USA.

Katz, E. and Leazarsfeld, P.F. (1955).

Personal Influenc: The Part Played by People in the Flow of Mass Communications.

New York: Free Press.

Lindholm,C. (1990)

Charisma.

Basil Blackwell, Inc., Cambridge, Mass,USA.

